

تذکرة الوفا - جناب پدر جان قزوینی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



جناب پدر جان قزوینی - تذکرة الوفاء - اثر حضرت عبدالبهاء

جناب

پدر جان قزوینی

﴿ هو الله ﴾

و از جمله مهاجرین بیغداد مرحوم جناب پدر جان قزوینی بود * این پیر زنده دل آشفته روی یار بود و گل شکفته گلشن محبت الله * چون بیغداد وارد شد شب و روز بتل و مناجات مینمود هر چند بر روی زمین مثنی میکرد ولی در اعلیٰ علین سیر مینمود محض امتثال امر الهی بکسب و کار مألوف بود * چون بضاعتی نداشت چند جفت جوراب زیر بغل در کوچه و بازار گرفته میگذاشت و میفروخت طراران میدزدیدند نهایت مجبور بر این شد که در دو کف دست نهاده در کوچه و بازار عبور نماید ولی بمناجات مشغول میشد که یک روز ملتفت شد که طراران جورابها را از پیش چشم که در روی دست او بوده ربوده‌اند و او ملتفت نبوده زیرا در عالم دیگر سیر میکرد درست ملتفت نمیشد حالتی عجیب داشت همیشه مانند مست مدهوش بود *

باری، مدتی بر این منوال در عراق بسر برد و در اکثر ایام بشرف لقا فائز اسمش عبد الله بود و لکن احباً او را پدیر جان ملقب نمودند * فی الحقیقه کلّ را پدر مهربان بود عاقبت در ظلّ مبارک بمقعد صدق عند ملیک مقتدر پرواز نمود * طیب الله مضجعه بصیب رحمته و شمله بلحظات اعین رحمانیته و علیه التّحیة و الثّناء *



ORIGINAL